

یادداشتهای زن- زندگی- آزادی (نمره بیست و چهارم)



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

سابقه‌ی کشتار مردم ایران به دست جانان حکومت نکبت اسلامی، به نوعی با تاریخ پیدایی جمهوری اسلامی، حتی قبل از انقلاب و با فاجعه‌ی آتش زدن "سینما رکس آبادان" و بعد آن تا به امروز گره خورده است و این رشته سر دراز دارد.

جهان همه‌ی خونریزی‌ها و کشتارهای جمعی در جغرافیای ایران رابه یاد ندارد، اما آنچه را که تاریخ این سه ماهه‌ی اخیر، بعد از قتل حکومتی "مهسا امینی" از جای جای کشور حکایت شده، دردناک و غم‌انگیز است و از در و دیوار گذرگاه‌های هر استان ایران، به بیرون از مرزهای ایران رسیده و امروز وسیع‌ترین بازخورد خبری را با خود به همراه دارد.

تاریخ هر کشوری، همیشه راه پرفراز و فرود خود را دارد و فرزندان هر ملتی نیز با حماسه‌های شورانگیز و وصف ناپذیر خود، پیروزی قهرمانان خود را در برابر سیاه روزی خونریزان حاکم، رقم می‌زنند.

انسان آرزومند دادگری، فرصت نمی‌یابد که درختان سایه گستر مهربانی را بر سرزمین گسترده زندگانی همزادان جوینده و پژوهنده خویش بکارد؛ زیرا دشنه تیره دونان فتنه انگیز و درنده خویان خونریز، پرده‌ی آرامش ناخن کُبودان صحرای درد را می‌درند و مویه‌های به ستوه آمدگان بی پناه نیز، راه به جایی نمی‌برد.

ابزار و شیوه کشتار گروهی، در هر دوره‌ی تاریخی، با دوران دیگر، تفاوت‌ها دارد، فرایند هر فتح و شکست، اما یکسان است. فاتحان دینمدار و سفاک امروز، شکست خوردگان به خون نشسته‌ی تلخکام دگر روزند چرا که تا به امروز هیچ سفاکی از تاریخ درس عبرتی نیاموخته است.

بدین سان است که حاکمان تاریک اندیش چیره بر مردمان ایران، امروزه روز آنچنان ابعاد تجاوز به حقوق انسانی زندانیان سیاسی و عقیدتی و امواج سرکوب در بین زندانیان و بازداشتی‌ها را افزایش داده‌اند که همه‌ی نیروهای انسان دوست و برابری طلب درون و بیرون کشور را با نگرانی روبرو ساخته است. از روزی که آتش افروزی زندان‌های لاکان و اوین کلید خورد و تعرض به جان زندانیان در بند، برای ایجاد رعب و وحشت آغاز شد، یورش به دانشگاه صنعتی شریف و تهاجم به

پایگاه‌های احزاب کردستانی و حمله به مردم سنندج، زاهدان، مهاباد، ربودن دانشجویان و تهاجم به زندانیان شدت گرفت. خبرهای ناگواری از حال و روز زندانیان سیاسی به بهانه‌ی «اغتشاش» زندان اوین شنیده شد. با صدای بلند و رسا بانگ برمی‌کشیم: جان‌های عزیز و انسان‌های آزاده‌ای در اوین و دیگر زندان‌ها گروگان هستند، سلامت زندانیان سیاسی برعهده‌ی حاکمان است، و باید در برابر خود زندانیان و خانواده‌های آنان و افکار عمومی جامعه‌ی ما و جامعه‌ی جهانی، پاسخگویشان کرد!



آنچه روشن است: حاکمیت می‌خواهد انتقام شکست در مقابل مردم آزادی‌خواه و جویای برابری را از زندانیان سیاسی بی‌دفاع بستاند.

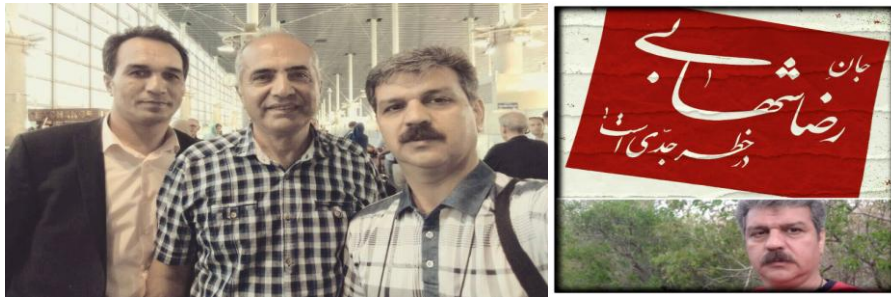
سپیده قلیان فعال اجتماعی و مدافع حقوق کارگران و زندانی سیاسی بر اساس ابلاغیه‌ای که در تاریخ ۲۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱، توسط شعبه ۲ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۳ تهران صادر شده، از بابت "نشر اکاذیب، توهین به مقدسات و مامورین و انتشار تهمت، افترا و الفاظ رکیک با نسبت‌های توهین‌آمیز" مورد تفهیم اتهام قرار گرفت. برادر سپیده قلیان با انتشار مطلبی در این خصوص در صفحه‌ی شخصی خود افزود: از شنبه ۲۸ آبان‌ماه ممنوع تماس شده و مطلقاً تماسی با خانواده برقرار نکرده است. پیگیری‌های حضوری پدر و مادر، با وجود فاصله‌ی زیاد محل سکونت تا تهران راه به جایی نبرده است...

بیانیه‌ی جمعی از زنان زندانی بند اوین در اعتراض به وضعیت لیلا حسین زاده: «خبرهای نگران‌کننده از شرایط جسمانی لیلا حسین زاده، قطع تماس تلفنی با خانواده و تداوم حبس در زندان عادل آباد شیراز و اعلام اعتصاب غذای او مایه نگرانی ما در زندان اوین شده‌است. گمان نمی‌بریم که تارک قوه قضائیه، سازمان زندانها و نهادهای امنیتی جایی برای کلمه ننگ دیگری داشته‌باشد. طبق اسناد و مدارک پزشکی و حتی پزشکی قانونی وابسته به جمهوری اسلامی رای بر عدم تحمل حبس لیلا حسین زاده داده شده و جان او در خطر است. لیلا عزیزمان، صدای مقاومت تو از زندان عادل آباد به گوشمان رسید».



روز یکشنبه ششم آذر، با خبر شدیم؛ اتهام‌هایی بدون مبنای حقوقی را به توماج صالحی نسبت داده‌اند از جمله: «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «تشکیل و اداره دسته‌جات غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور»، «همکاری با دولت متخاصم» و «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از طریق فضای مجازی و تحریک و ترغیب افراد به اعمال خشونت‌آمیز». پیش از توماج صالحی، سامان یاسین، خواننده‌ی رپ

اهل کرمانشاه وساکن تهران که روزدهم مهر بازداشت شده است ازسوی دادگاه انقلاب به «محرابه» متهم شده است. این ها مشتی ایست از هجمه پُرشمار تهاجم به هنرمندان درجای جای کشور!



درکانال تلگرامی سندیکای شرکت واحد آمده است: «رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، که بهدنبال دردهای شدید در ۵ آذر به بیمارستان امام خمینی منتقل شده بود، با وجود اینکه پزشک متخصص، پس از نتیجهی ام آر آی، اعلام کرده بود که ایشان به جراحی اورژانسی و فوری نیاز دارد، همان روز گذشته به زندان اوین برگردانده شد. دلیل انتقال مجدد رضا شهابی به زندان عدم صدور دستور عمل برای جراحی فوری ایشان از طرف مسئولین زندان اوین می‌باشد»، در این رابطه آقای حسین تاج، وکیل مدافع رضا شهابی اعلام کردند: «درخواست مرخصی درمانی ایشان را به دایره نظارت بر متهمان سیاسی-امنیتی زندان اوین و شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر تهران ارائه کرده‌اند.» کوتاه سخن اینکه: رضا شهابی نیاز به عمل جراحی فوری دارد، اما زندانبانان نظام با آزادی‌ش موافقت نمی‌کنند. رضا شهابی و حسن سعیدی هرکدام برای «اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت» به ۵ سال، و برای اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال؛ مجموعاً هر کدام به ۶ سال حبس به‌اضافه مجازات‌های جایگزین ممنوع‌الخروجی و تبعید، محکوم شده‌اند.

از مجموع حبس، ۵ سال برای هر یک اجرایی می‌باشد که مربوط به مجازات اشد است. داود رضوی عضو هیات مدیره‌ی سندیکای واحد، در بند ۲۴۰ زندان اوین و تحت بازجویی به سر می‌برد. ایشان که پنجم مهر ماه بازداشت شده‌اند، پس از نزدیک به دوماه کماکان در بازداشت موقت به سر می‌برد.



بیانیه‌ی «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» خبر می‌دهد: «حوادث اخیر بهانه‌ای شد برای فشار بیشتر بر فعالین صنفی شناخته شده و فرصتی برای سواستفاده جریان‌های خاص دست داد تا با معلمان نیک اندیشی که همواره این بحران‌ها را پیش بینی، گوشزد و هشدار داده بودند، به ناروا برخوردهای غیرقانونی شود. در همین راستا پروژه‌سازی‌ها شروع شد و افراد خوشنامی از جمله سوران اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، جعفر ابراهیمی، رسول بدقی، محمد حبیبی، ژیلای خیر و... یا بازداشت شدند و یا با احکام سنگین مواجه گردیدند.

اخیرا سوران اسکندر لطفی، سخنگوی شورای هماهنگی علی رغم گذاشتن وثیقه، در زندان تهران بزرگ شکنجه و ضرب و شتم گردیده و حکم پنج سال زندان جعفر ابراهیمی، در دادگاه تجدید نظر تأیید شد!

وضع جسمانی اسکندر لطفی در پی ضرب و شتم توسط ماموران امنیتی وخیم گزارش شده است.

بازتاب نامهی جعفر ابراهیمی در کانال شورای هماهنگی گواه دیگری بر این فشارهاست. او نوشته است: «اینجانب جعفر ابراهیمی معلم و زندانی سیاسی، در تاریخ ۲۴ آبان، جهت درمان ناشی از بیماری با هزینه شخصی به بیمارستان اعزام شده و از آن تاریخ تاکنون بستری هستم. در طول این مدت از ملاقات با همسر و اعضای خانواده و وکلای خود محروم بوده و حق تماس تلفنی نداشته و به صورت دایمی با پایبند به تخت زنجیر شده‌ام. شرایطی که هم اکنون بر من تحمیل شده به مراتب بدتر از شرایط زندان بوده لذا درخواست دارم: ممنوعیت تماس و ملاقات اینجانب برداشته شود تا اعضای خانواده و وکلای من بتوانند برای پیگیری و عیادت به بیمارستان مراجعه نمایند...»



موارد فوق‌الذکر تنها چند نمونه از نقض آشکار و اعمال شکنجه علیه چند تن از شناخته‌شده‌ترین زندانیان سیاسی اخیر است، در حالی که بیش از ۱۵ هزار (و به روایتی تا ۲۰ هزار زندانی) به دلیل اعتراضات اخیر مردم آزادیخواه ایران توسط حکومت به بند کشیده شده و هر روز خبرهای ناگواری از شکنجه و قتل آن‌ها درون و بیرون زندان منتشر می‌شود، زندانیانی که کمتر نام و نشان آن‌ها منتشر شده و گمنام مانده‌اند. در یک نمونه پزشکی که در تجمع پزشکان مقابل ساختمان نظام پزشکی کشور بازداشت شده بود، عنوان کرده مدت دو روز با دستبند در توالی یک مکان مخفی امنیتی بسته شده و مرتباً مورد ضرب و شتم و فحاشی قرار گرفته است. شکنجه، تجاوز و جنایات رژیم اسلامی در بازداشتگاه‌های مخفی و سوله - زندان‌های ثبت نشده همچنان ادامه دارد و در جایی هم نمود و بازتابی نمی‌یابد. بر ماست که با افشای جنایات این حکومت آدمکش و مطالبه‌ی آزادی بی قید و شرط همه‌ی زندانیان سیاسی در هر کجا و به هر وسیله که می‌توانیم؛ صدای زندانیان و بازداشت‌شدگان بی‌دفاع ایران باشیم.

نتیجه‌ی پرونده‌سازی علیه فعالان زن، چهره‌های شناخته‌شده‌ی هنری، دانشجویان، معلمان، استادان، پزشکان، وکلا، نویسندگان و کارگران و حامیان آنان، احکام عجولانه‌ایست، که حکومت از آن یک پیام دارد؛ «انتقام می‌گیریم». اما صدور این احکام ظالمانه هم دردشان را درمان نمی‌کند. اینان بیش از آنچه که تصور می‌کنند در آتش خشم مردم گرفتارند و هر حرکتی در برابر این طوفان خشم جامعه، جز استیصال بیشتر برای‌شان، ثمری به بار نمی‌آورد.

جای آن دارد؛ که با تجمع هر روزه‌ی خانواده‌ها، پشت دیوارهای زندان‌ها همراه شویم. زندان‌ها را محاصره کنیم و آزادی زندانیان سیاسی را فریاد بزنیم. شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» را به شعاری کانونی بدل نماییم؛ «آزادی همه بازداشت‌شدگان ماه‌های اخیر را» برجسته‌سازیم. ای‌دون باد!

چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱ برابر با ۳۰ نوامبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>